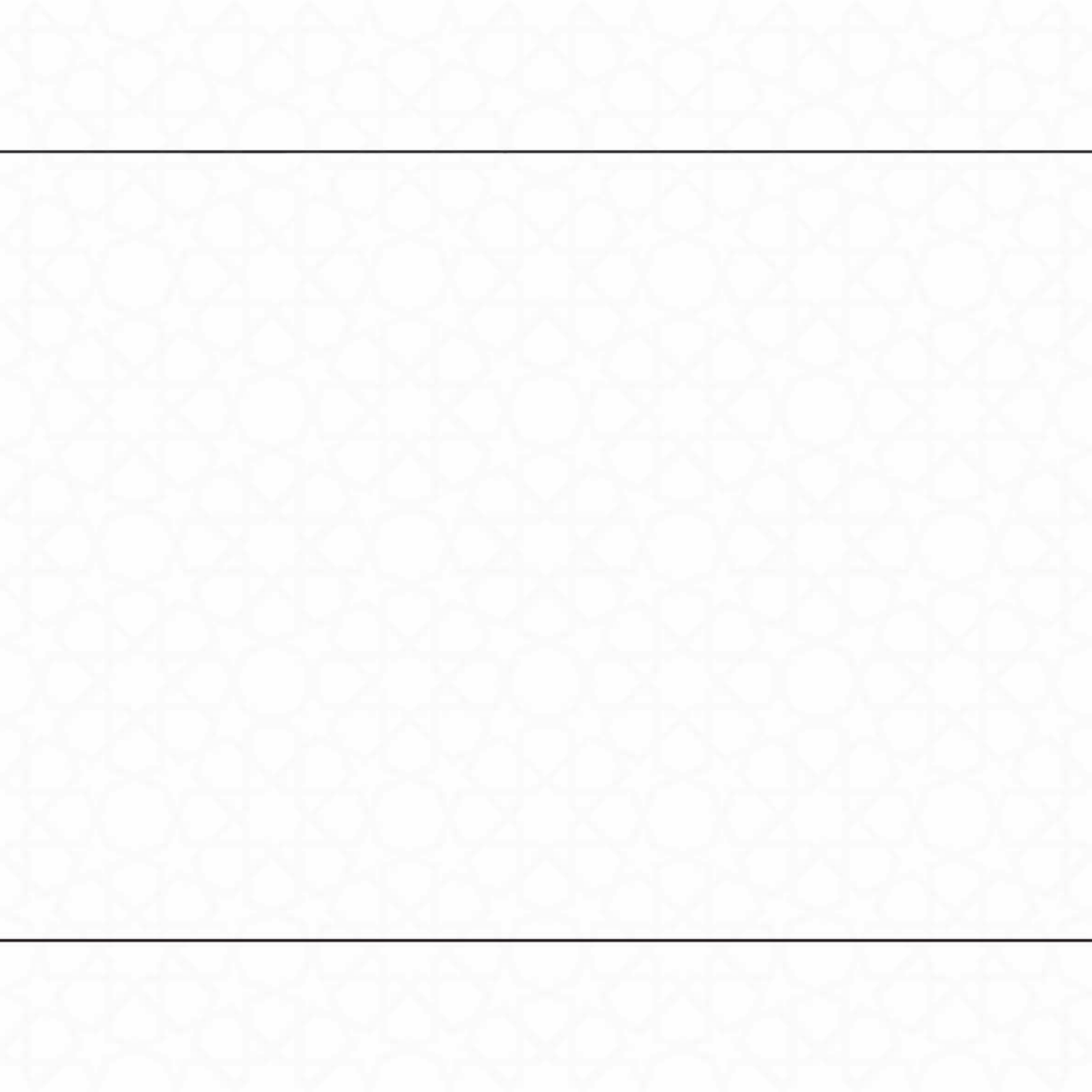
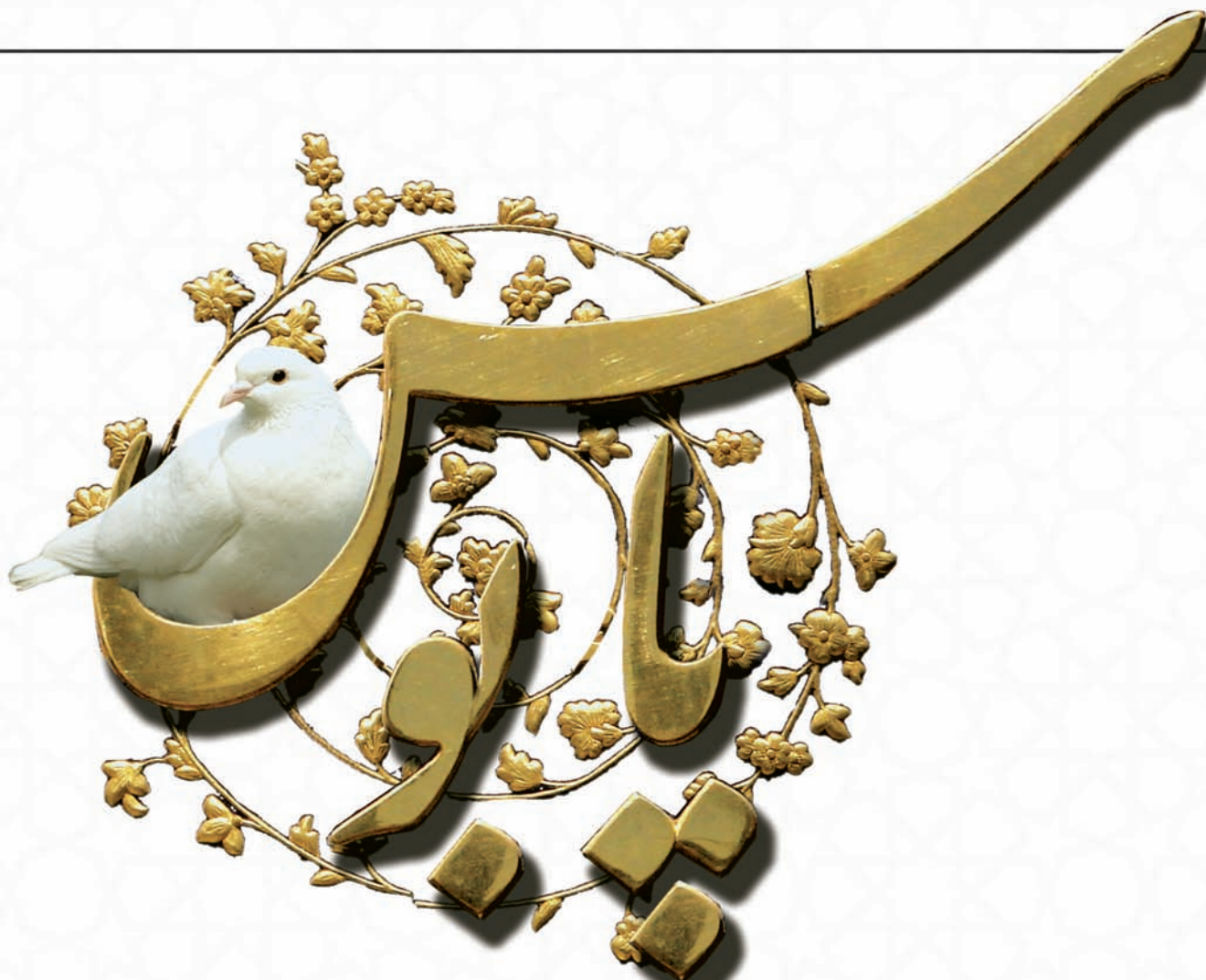








آموزه‌هایی برای زیارت مطلوب

|                     |                                                                                                                                         |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : تیمورزاده، سعیده، ۱۳۶۳ -                                                                                                              |
| عنوان و نام پدیدآور | : پاپوس: آموزه‌هایی برای زیارت مطلوب/ نویسنده سعید تیمورزاده؛ گروه پژوهش مجید انصاری... [ و دیگران]؛ تهیه و تولید اداره تولیدات فرهنگی. |
| مشخصات نشر          | : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۶.                                                                         |
| مشخصات ظاهری        | : ۷۶ص: مصور (رنگی).                                                                                                                     |
| شابک                | : رایگان3-0-98503-600-978 :                                                                                                             |
| وضعیت فهرست نویسی   | : قیفا                                                                                                                                  |
| یادداشت             | : گروه پژوهش مجید انصاری، سیدمهدی موسوی‌مقدم، علی پایاب، ابراهیم دهدار، باقر فتوتی.                                                     |
| یادداشت             | : عنوان دیگر: کتاب مجله پاپوس.                                                                                                          |
| عنوان دیگر          | : آموزه‌هایی برای زیارت مطلوب.                                                                                                          |
| عنوان دیگر          | : کتاب مجله پاپوس...                                                                                                                    |
| موضوع               | : علی‌بن موسی (ع)، امام هشتم، ۴۱۵۳ - ۷۰۳ق. -- آرامگاه -- زیارت                                                                          |
| موضوع               | : Ali ibn Musa, Imam VIII -- Tomb -- Pilgrimage                                                                                         |
| موضوع               | : علی‌بن موسی (ع)، امام هشتم، ۴۱۵۳ - ۷۰۳ق. -- داستان                                                                                    |
| موضوع               | : Ali ibn Musa, Imam VIII -- Fiction                                                                                                    |
| موضوع               | : علی‌بن موسی (ع)، امام هشتم، ۴۱۵۳ - ۷۰۳ق. -- آرامگاه -- زیارت -- احادیث                                                                |
| موضوع               | : Ali ibn Musa, Imam VIII -- Tomb -- Pilgrimage -- Hadiths                                                                              |
| موضوع               | : زیارت و زائران -- آداب و رسوم                                                                                                         |
| موضوع               | : Pilgrims and pilgrimages -- Manners and customs                                                                                       |
| شناسه افزوده        | : انصاری، مجید، ۱۳۵۸ -                                                                                                                  |
| شناسه افزوده        | : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی                                                                                      |
| شناسه افزوده        | : آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی                                                                                                  |
| رده بندی کنگره      | : ۱۳۹۶ پ۲/۹ت/۶۴/۲ BP۲۶۴                                                                                                                 |
| رده بندی دیویی      | : ۲۹۷/۷۶۷۲                                                                                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۴۹۲۹۰۶۱                                                                                                                               |



عنوان: کتاب مجله پاپوس (آموزه‌هایی برای زیارت مطلوب)

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: سعیده تیمورزاده

به‌کوشش: مجید انصاری، سیدمهدی موسوی‌مقدم، علی پایاب، ابراهیم دهدار، باقر فتوتی

با تشکر از: حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی ماندگاری

ویرایش محتوایی و زبانی: زینب سادات حسینی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرویان حسینی

طراحی جلد و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی آسمانه

شابک: ۳-۰۰-۹۸۵۰۳-۶۰۰-۹۷۸

چاپخانه: مؤسسه فرهنگی قدس

شمارگان: ۱۱۵۰۰۰

نوبت چاپ: دوم، پاییز ۱۳۹۶

نشانی: مشهد مقدس، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، بین باب‌الهادی علیه السلام و صحن غدیر، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵، تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.

۸ قبل از زیارت

۳۸ حین زیارت

۶۰ بعد از زیارت



## و این گونه، خراسان، خراسان شد!

روزگاری، خراسان نام سرزمینی بود که خورشید در آن آسان طلوع می‌کرد، فقط همین؛ اما زمانی رسید که خورشید به خراسان هجرت کرد و برای همیشه در آن ماندگار شد! خورشیدی که خورشید خورشیده‌هاست: خورشیدی رؤف که رضا می‌خوانندش و عالم آل محمد و ابوالحسن.

\*\*\*

دست تقدیر، شمس‌الشموس را قدم به قدم از مدینه به خراسان رساند تا ایران، ذره ذره از وجود تابناک این خورشید بهره ببرد و نام ایرانیان، جزو محبان و شیعیان ثبت شود و این گونه خراسان، خراسان شد: «الْسَّلَامُ عَلَى غَوْثِ اللَّهْفَانِ وَمَنْ صَارَتْ بِهِ أَرْضُ خُرَاسَانَ خُرَاسَانَ»<sup>۱</sup> (سلام بر فریادرس دلسوختگان و به کسی که زمین خراسان، به خاطر او خراسان شد).

\*\*\*

«عالم آل محمد» به ایران قدم گذاشتند و به برکت حضورشان، هرچه جهل و نادانی و علم‌نمایی و مذاهب دروغین بود، رنگ باخت. ایران متبرک شد به وجود ثامن الحجج علیه السلام و خراسان، شد مرقد آیین هاشم تا کوچه‌های این دیار، تا همیشه یادآور حضور تمدن ساز حجتی از حجج الهی باشد: حجتی که با ورود تاریخی ایشان به ایران، این خاک شرف یافت و مردمانش عزت و هنوز که هنوز است، از برکت وجود آن عزیز، خیرات بر این سرزمین جاری است و دست شراز آن کوتاه!

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۳.

گفته‌اند هرگاه دلتنگ دیدنِ خداوند شدید، به زیارت آینه‌هایی بروید که تجلی تمام‌نمای صفات خداوندند، مگر صفت خلق‌کردن که ویژه ذات اقدس پروردگار بی‌همتا است. اینان چهارده آینه‌اند که هرکس به دیدارشان برود، انگار خدا را ملاقات کرده است: چراکه آن‌ها حقیقت ایمان‌اند و این بشارتی است از سوی امام محمد باقر علیه السلام:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ زَارَ مُؤْمِنًا كَانَ زَائِرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ<sup>۱</sup>

هر مؤمنی که مؤمنی را زیارت و دیدار کند، در واقع خداوند عز و جل را زیارت کرده است.

\*\*\*

از این همه تجلی بی‌زنگار و شفاف و نور علی نور، تصمیم دارم به محضر آئینه هشتم برسم تا طعم شیرین زیارتش را مزه مزه کنم.

\*\*\*

آئینه تمام‌نمای خدا، ای آئینه هشتم، دلم برای زیارتتان پرمی‌کشد! به قصد پابوس، عزم دیدارتان را کرده‌ام و این، یعنی آغاز زیارت.

۱. حسین بن سعید کوفی اهوازی، مؤمن کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟ (ترجمه کتاب شریف المؤمن)، ص ۱۳.



قبل از زیارت



## آغاز سفر؛ آغاز راه

قصد سفر کرده‌ام. این سفر با دیگر سفرهایم فرق دارد؛ آخر قصد زیارت شما را دارم و در کلام خودتان دیده‌ام که هرکس قصد زیارت شما را بکند و بار سفر ببندد، انگار از زیارت بهره برده است و از همان لحظه زائر است: این را یاسر خادم<sup>۱</sup> نقل کرده است که شما فرموده‌اید:

برای زیارت هیچ قبری بار سفر نیندید، مگر برای زیارت قبرهای ما [اهل بیت]. آگاه باشید که من از سر جور و ظلم، با سم کشته شده و در سرزمینی دور و غریب دفن می‌شوم؛ پس هرکس به قصد زیارت من بار سفر ببندد، دعایش مستجاب و گنااهش بخشیده می‌شود.<sup>۲</sup>

ای خورشید خورشیدها (شمس الشموس)، من در ابتدای هیچ سفری به این همه آرزو نمی‌رسم، مگر در آغاز زیارت شما! پس برای رسیدن به این بخشش و استجاب، قصدم را برای زیارتتان خالص می‌کنم و تصمیم جدی می‌گیرم که فقط و فقط به قصد دیدار و زیارت شما راهی این سفر شوم.

۱. از محدثان شهر قم بوده و از امام رضا (ع) روایات فراوانی در اصول دین و فروع و نیز در آداب و سنن نقل کرده است.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ص ۱۴۴.



## شناسنامه نور

نام علی. پس از علی بن ابی طالب علیه السلام و علی بن حسین علیهما السلام، امام رضا علیه السلام سومین «علی» در خانه اهل بیت علیهم السلام هستند.

پدر امام موسی بن جعفر علیه السلام، هفتمین امام شیعیان.

مادر بانو تکتُم یا نجمه که بعد از تولد امام رضا علیه السلام، از طرف امام کاظم علیه السلام طاهره یعنی پاکیزه نام گرفتند.<sup>۱</sup> ایشان از نظر عقل و دین داری، از زنان برتر بوده اند.<sup>۲</sup>

محل تولد شهر جدشان، مدینه النبی.<sup>۳</sup>

تاریخ تولد ۱۱ ذی قعدة ۱۴۸ قمری<sup>۴</sup> یعنی همان سالی که امام صادق علیه السلام به شهادت رسیدند؛ ولی برخی تولد ایشان را پنج سال بعد از رحلت امام صادق علیه السلام نگاشته اند.<sup>۵</sup>

محل سکونت ۵۲ سال در مدینه النبی و نزدیک به ۳ سال در خراسان.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۷.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷.

۳. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۴۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۴۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۳.

۵. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۴.





## همسر

بانویی به نام سبیکه نوبیه که ایشان را خیزران نیز می نامیدند و روایت شده است که از خاندان ماریه، همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده اند.<sup>۱</sup> جز جناب سبیکه یا خیزران، تنها همسری که مورخان برای امام رضا علیه السلام نام برده اند، «ام حبیبه» دختر مأمون است که مأمون او را با انگیزه خاص سیاسی، در دوران ولایتعهدی به همسری ایشان درآورد.

## فرزندان

در این باره اختلاف نظر وجود دارد؛ اما بزرگانی چون شیخ مفید رحمته الله علیه تک فرزندی بودن امام جواد علیه السلام را تأیید کرده اند.<sup>۲</sup>

## شهادت

آخر ماه صفر سال ۲۰۳ ق، در طوس خراسان، در روستایی که به آن سناباد می گفتند.<sup>۳</sup>

## مدت عمر

۵۵ سال.<sup>۴</sup>

## مدت امامت

۲۰ سال.<sup>۵</sup>

## حاکمان ستمگر زمان

منصور دوانیقی، مهدی، هادی، هارون الرشید، امین و مأمون عباسی.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۷۱؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۸۶؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. علی بن عیسی اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۱۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ علی بن عیسی اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۱۲.

۵. علی بن عیسی اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۱۲.

# مهم‌ترین اتفاق‌های زمان حیات ایشان

۳

موضوع ولایتعهدی که نگاه‌ها را متوجه امام‌رضا علیه السلام کرد.

۲

هلاکت برامکه در سال چهارم امامت امام‌رضا علیه السلام که سبب شد یکی از دشمنان مهم اهل بیت به دست هارون از میان برود و به طور نسبی فرصت خوبی برای نشر آثار اهل بیت علیهم السلام فراهم شود.  
نکته جالب این است که امام‌رضا علیه السلام قبلاً این واقعه را پیش‌بینی کرده بودند.

۱

پیدایش فتنه واقفیه که پیروانش نابخردانه معتقد بودند پس از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام، دیگر امامی وجود ندارد و سلسله امامت در همین جا متوقف شده است.<sup>۱</sup> سران فتنه واقفیه از راه‌های گوناگون همچون تبلیغ، تعلیم شاگرد، جعل حدیث، تطمیع و شبهه‌افکنی، باور اشتباهشان را گسترش می‌دادند. در این وضعیت، امام‌رضا علیه السلام با پاسخ‌های عمیق خود به شبهاتی که آن‌ها درباره امامت مطرح می‌کردند، از طریق مناظره و مکاتبه، به هدایت مردم پرداختند. آن حضرت شیعیان را از معاشرت با اهل این فرقه منع فرمودند و آن‌ها را لعن و نفرین کردند؛ علاوه بر آن، با نشان دادن کراماتی، برخی از واقفیه را به راه راست هدایت کردند.

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۴۳.



مقابله با غلو و غالیان که خطری جدی برای اصل و کیان شیعه بودند. این گروه عقاید باطل گوناگونی داشتند؛ از جمله: عقیده به الوهیت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام، عقیده به نبوت ائمه اطهار علیهم السلام یا افراد دیگر و عقیده به جبر و تفویض. آن‌ها با جعل حدیث و شعبده‌بازی و نیز اباحی‌گری در دین، یعنی بی‌اهمیت نشان دادن دستورات دینی، در ترویج عقاید خود می‌کوشیدند. امام رضا علیهم السلام ضمن معرفی ماهیت و عقاید این گروه منحرف، بار د عقایدشان شیعیان را به اظهار تنفرو و بیزاری از غلات و لعن آن‌ها فرا می‌خواندند.

تشکیل محافل علمی و مجالس بحث و مناظره که سبب شد عظمت وجودی امام رضا علیهم السلام آشکار شود؛ به گونه‌ای که دانشمندان برجسته به دانش گسترده ایشان اعتراف کردند.<sup>۱</sup>

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

## مَسْنَد آئینه‌ها

خودم را در حضورتان احساس می‌کنم: در حرمتان، پای ضریحتان، زیر قبه‌تان که پراست از هیاهو و زمزمه دعای مشتاقان. چشم دوخته‌ام به مشبک‌های ضریح و با خودم فکر می‌کنم:

کوله‌باری از حاجت به دوش دارم و امید به اجابت خواسته‌هایم نیز مرا به اینجا کشانده است؛ ولی قصدم زیارت شما بوده است. من شوق دیدارتان را داشته‌ام و به خاطر محبتتان راهی این خانه شده‌ام.

آنچه از شما می‌دانم، زیاد نیست؛ ولی چند نکته را باور دارم: شما می‌دانید که من کجای عالم ایستاده‌ام. جایگاهم را می‌بینید. صدایم را می‌شنوید. سلامم را جواب می‌دهید: دور باشم یا نزدیک فرقی نمی‌کند. از هر کجا که به سوی‌تان سلامی بفرستم، از آن بهتر جوابم را می‌دهید! من با این گوش صدایتان را نشنیده‌ام؛ اما گاهی دلم لرزیده است و این نشانه توجه مهربانانه شماست.



ای هدایت‌گر جان‌ها، بارها با چشمِ قلبم هدایتان را  
دیده‌ام! من بسیار گم‌شده‌ام: نه فقط در کودکی، از وقتی بزرگ  
شده‌ام نیز، بارها و بارها در انتخاب‌ها و تشخیص‌ها گم شده‌ام.  
در این لحظه‌ها، هروقت که دوست داشته‌ام کسی بیاید و  
دستم را بگیرد و مرا به مقصدِ درست برساند، به نور وجود شما  
متوسل شده‌ام!



پدرتان امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

«همانا من در میان شما مانند چراغ درخشانده در تاریکی هستم که هرکس به آن  
روی می‌آورد، از نورش بهره‌مند می‌شود<sup>۱</sup> و برای هر پیرو، پیشوایی است که از او پیروی  
می‌کند و از نور دانشش بهره می‌گیرد.<sup>۲</sup>»

ای حجت آشکار دل‌ها، می‌دانم حجت یعنی دلیل محکم و بی‌اشتباه که هیچ‌کس نمی‌تواند ردّش کند و از قول  
پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم شنیده‌ام:

«خداوند متعال، علی علیه السلام و همسر و فرزندان او علیهم السلام را حجت‌های الهی بر بندگان  
خود قرار داده است. ... آن‌ها دروازه‌های علم در میان امت من هستند. هرکس  
به وسیله آن‌ها هدایت شود، به صراط مستقیم هدایت شده است.<sup>۳</sup>»

شما حجت آشکار خدایید، یعنی حرف آخر خدا در همه چیز! خداوند هیچ وقت زمینش را بدون حجت نگذاشته است. می‌دانم  
مقصود از حجت بودن شما و دیگر انبیا و امامان علیهم السلام این است که راه سعادت را باید از شما آموخت.

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳. عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۷۶، حدیث ۸۹.



پدر بزرگتان امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

«زمین پیوسته حجتی الهی را در خود دارد که حلال را از حرام می شناساند و مردم را به راه خداوند دعوت می کند.»

شما آیینۀ تمام نمای خوبی هایید و آمده اید تا من برای تمام کردار و رفتارم الگویی کامل داشته باشم: الگویی که هرچه خوبی است، بروز داده است و هرچه بدی است، ترک کرده است. امام من، یقین دارم هرچه شما گفته اید، همان است که خدا گفته است و هرچه خدا می گوید، همان است که شما می گوید!

ای درب گشوده فیض الهی، «باب الله» نام شماست. شما را این طور خوانده اند؛ چون هرچه از خداوند به ما می رسد، از طریق شماست. شما واسطه رسیدن نعمت ها و برکت ها و توفیق ها هستید و چه مبارک است آن نعمتی که به واسطه شما به ما می رسد! برای آشکار شدن عظمت شما خاندان، چه کلامی نافذتر و زیباتر از کلام خودتان! جد بزرگوارتان امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«ما موجب امنیت و آسایش مردم در روی زمین هستیم؛ همان طور که ستارگان موجب آرامش اهل آسمانند. خداوند به واسطه ما آسمان را نگه داشته است که بر زمین فرو نریزد... و به واسطه ما زمین را نگه داشته است که اهلش را تکان ندهد. باران به واسطه ما می بارد، رحمت به واسطه ما گسترش می یابد، زمین به واسطه ما نعمت های خود را خارج می کند و اگر کسی از ما [اهل بیت] در زمین نباشد، زمین اهلش را فرو می برد!»

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸.  
۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۶۵.





ای دلسوز به حال و احوال ما، در حرم شما به روی همه باز است. هر که به سویتان راهی بجوید، به شما خواهد رسید. در حقیقت، شما خود را به او می‌رسانید و دستش را می‌گیرید و به خانه‌تان مهمانش می‌کنید.

ای که ناگفته ز اسرار دلم آگاهی دستگیر دل هر خسته دل و گمراهی  
مطمئنم که حواستان همیشه به ما هست. این اطمینان بی‌سبب نیست. روایتی است از عبدالله بن ابان که مرا هم امیدوار می‌کند. عبدالله که نزدتان منزلتی داشت، درخواست کرد برای او و خانواده‌اش دعا کنید و شما در پاسخش فرمودید:

“ مگر دعا نمی‌کنم! به خدا سوگند، اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه و گزارش می‌شود.”

پس این زیارت هم نشانه توجه شماست و مگر می‌شود کسی را دعوت کنید و به او توجه نکنید! برای این گفته هم سند محکمی دارم. آخرین ذخیره امامت، نور چشم همه انبیا و اوصیا، مهدی عزیزتان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نامه‌ای به شیخ مفید رحمته الله علیه فرموده‌اند:

“ ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یادتان را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود، گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.”

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.  
۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.



## آشنای قلب‌ها

گروهی از مردم درحالی‌که با شیون و زاری جنازه‌ای را تشییع می‌کردند، از کوچه می‌گذشتند. به شتاب از اسبش پایین آمد، خود را به آن‌ها رساند و همانند یکی از نزدیکان، زیر جنازه را گرفت.

وقتی هم که میّت را کنار قبرش گذاشتند، نزدیک آمد و دستش را بر سینه او گذاشت و به بهشت مژده‌اش داد.

در تمام این مدت، من در خدمت امام بودم و باتعجب این کارها را مشاهده می‌کردم. دیگر طاقت نیاوردم و پرسیدم: «شما که تا حالا به طوس قدم نگذاشته‌اید، چگونه این شخص را می‌شناختید؟!» امام فرمودند:

ای موسی بن‌سیار، آیا نمی‌دانی که در صبح و شام، اعمال و کردار شیعیانمان بر ما [امامان] عرضه می‌شود؟ اگر در کردارهای آن‌ها گناهی باشد، از خداوند درخواست می‌کنیم از آن‌ها درگذرد و اگر اعمال حسنه داشته باشند، برایشان طلب پاداش می‌کنیم.<sup>۱</sup>

۱. عزیزالله عطاردی، مسند الإمام الرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۰۷.





شما وسعتی بی‌انتهایید که شناختن برای هرکسی مقدور نیست؛ اما باید تلاش کنم که بشناسمتان. من در روزگار جهل به سر می‌برم؛ اما به واسطه نور شما خاندان می‌توانم پرده‌های جهل و غفلت را کنار بزنم؛ از همین روست که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام توصیه فرموده‌اند در دوران غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند این‌گونه بخواهیم:

...اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي  
حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي<sup>۱</sup>.

...خدایا، حجت خود را به من شناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می‌شوم. این دستور شماسست که باید حجت خدا را شناخت؛ پس کمکم کنید که بشناسمتان. حالا که دعوتم کرده‌اید، مرا به معرفتتان برسانید؛ چراکه اگر شما را نشناسم، قطعاً گمراه می‌شوم و انکار اصلاً دین ندارم و چه بسا که بمیرم و کافر باشم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

## معرفت نور

خودتان فرموده‌اید:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ وَهُوَ كَافِرٌ<sup>۱</sup>

هرکه بمیرد، درحالی که امام خود را نشناخته است، مثل مردم جاهلیت مرده است و او کافر است.

باید شما را آن گونه که حق معرفتتان است، بشناسم. جد بزرگوارتان، امام صادق علیه السلام، در جواب شخصی که درباره حق معرفت شما پرسید، فرمودند: «يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُقْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ». یعنی باید شما را رهبر و پیشوایم بدانم که ولی و نماینده خدا هستید، حاضرید و اعمالم را می بینید، از طرف خدا اطاعتتان بر من واجب است و برای حفظ دین، غریب و در سرزمین غربت به شهادت رسیده‌اید؛ همچنین باید شما را شهید بدانم که شهدا همیشه زنده‌اند و شاهد اعمالمان.

اگر با این شناخت به زیارتتان بیایم، امید دارم که از برکات بی نظیری، همچون شفاعت شما در قیامت بهره‌مند شوم و از نقصان مرگ جاهلی رهایی یابم؛ چراکه به فرموده خودتان، شناخت شما اهل بیت، لازمه شناخت خداست:

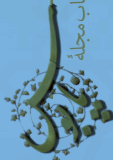
مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ<sup>۲</sup>

هرکه ایشان را شناخت، خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد، خدا را نشناخته است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۵۸.

۲. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴؛ محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، آمالی الصدوق، ص ۱۲۱.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۷۹.



# وصف آفتاب

از کودکی شما را برایم چنین وصف کرده‌اند: «رضا» و «رئوف» و «عالم آل محمد». من شما را با این نام‌ها و لقب‌ها شناختم و حالا که بزرگ‌تر شده‌ام، فهمیده‌ام که نسبت دادن هر کدام از این صفات‌ها به شما، ریشه‌ای دارد:

## رضا

رضا یعنی پسندیده، مشهورترین و رایج‌ترین لقب شماست. تمام ائمه اطهار علیهم‌السلام به تدبیر و تقدیر الهی راضی و خشنود بودند و آنچه موجب خشنودی خدا بود، انجام می‌دادند؛ اما شهرت شما به این لقب رازی دارد که نور چشمتان، جوادبن علی علیه‌السلام از آن پرده برداشته‌اند:

خداوند تبارک و تعالی پدرم را رضا نامید؛ ... چون همان‌طور که دوستان و طرفدارانشان از ایشان راضی بودند، مخالفان از دشمنانشان [در دولت وقت] نیز قبولشان کرده و به ایشان رضایت داده بودند. این حالت برای هیچ‌یک از پدران پدرم اتفاق نیفتاد؛ برای همین، از بین آنان، فقط ایشان «رضا» نامیده شده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۵.

## عالم آل محمد

شما را پیش از تولدتان «عالم آل محمد» خوانده‌اند. پدرتان موسی بن جعفر علیه السلام همیشه، در جمع فرزندان‌شان می‌فرمودند:

این برادر شما علی بن موسی، عالم آل محمد است؛ پس از او دربارهٔ دین خود پرسید و آنچه می‌گوید، حفظ کنید که من از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که مکرر می‌گفت: «عالم آل محمد در صلب توست. کاش من او را می‌دیدم! او با امیرالمؤمنین علی علیه السلام همانا است.»<sup>۱</sup>

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۶۴ و ۶۵.

## رُؤُوف

شما را رُؤُوف می‌نامند. سند این لقب امیدبخش، عبارتی است در زیارت شریف جوادی که میوه دل‌تان جوادالائمه علیهم‌السلام شما را با آن زیارت فرموده‌اند:

السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الرَّؤُوفِ الَّذِي ...<sup>۱</sup>

سلام بر امام مهربانی که ...

رأفت نوعی شدت در رحمت است و فرقی ظریف با «رحمت» دارد که لغت‌شناسان این‌طور توصیفش کرده‌اند: «رأفت، عطوفت و لطف و رحمت خالص و شدید است که وقوع درد و ناراحتی را هرچند به مصلحت فرد باشد، بر نمی‌تابد؛ اما رحمت، صرف عطوفت و مهربانی‌کردن است که گاهی با درد و ناراحتی فرد نیز همراه است؛ مانند لطف و رحمت جراح به بیمار علاقه‌مند به بهبودی».<sup>۲</sup>

مسلماناً همه شما اهل بیت علیهم‌السلام از آنجا که تجلّی رأفت حضرت حق هستید، رؤفید؛ ولی این رأفت و مهرورزی در وجود شما ظهور و بروز بیشتری دارد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۵.

۲. نک: حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۶.



از مصادیق بارز این رأفت، پاسخی است که به زیارت زائران می‌دهید و در سه جای هولناک به دادشان می‌رسید. خودتان فرموده‌اید:

مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدٍ دَارِي [وَسُطُونِ مَزَارِي] أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخْلِصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الصِّرَاطِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ.<sup>۱</sup>  
هرکس مرا باوجود دوری [راه] منزلم زیارت کند، روز قیامت در سه جا نزد او خواهم آمد تا از ترس‌های آن سه جا رهاییش کنم: ۱. هنگام پخش شدن نامه اعمال به دست راست یا چپ؛ ۲. در [هنگام گذرا از] صراط؛ ۳. نزد میزان [که اعمال را می‌سنجند].

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲۶ و ۶۲۷؛ جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۰۴.



## حکایت دلدادگی

پاهای مرد به شدت زخمی و آزرده بود. تا چشم امام به او افتاد، ناراحتی در چهره‌شان نمایان شد و دلسوزانه علت را پرسیدند. مرد توضیح داد: «با شتر جوان و لاغری که داشتم، به مکه آمدم و بیشتر راه را برای رعایت حال آن، پیاده پیمودم.» مگر وسعت قلب مهربان امام می‌توانست گرفته و غمگین نشود؟! «زیاد اسود» که این حال امام را دید، گفت: «من غرق گناهم؛ تا جایی که می‌پندارم هلاک شده‌ام؛ ولی به یاد دوستی شما افتادم و امید نجات یافتم و گره از دلم گشوده شد!» امام باقر علیه السلام دین‌داری «زیاد اسود» را این‌گونه تأیید کردند:

هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ...

مگر دین، جز دوست داشتن است؟!...

بعد هم، برای گره‌گشایی از دلش چنین ادامه دادند:

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «حَبَبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانُ وَزَيْنَتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ» وَقَالَ «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» وَقَالَ «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ»<sup>۱، ۲، ۳</sup>...

خداوند متعال می‌فرماید: «[خدا] ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است» و [نیز] می‌فرماید: «[ای پیامبر بگو] اگر شما دوست‌دار خدا باشید، از من [که فرستاده خدا هستم] پیروی کنید تا خداوند [نیز] شما را دوست بدارد» و... .

۱. حجرات، ۷.

۲. آل عمران، ۳۱.

۳. حشر، ۹.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۷۹ و ۸۰.

چقدر امیدوار شدم وقتی که ماجرای زیاد اُسود را شنیدم! پدرتان کلامی فرموده‌اند که هر بار مرورش می‌کنم، گره از دل من نیز می‌گشاید. اینکه میل به زیارتتان را در وجودم احساس کرده‌ام؛ به این خاطر است که دوستتان داشتم. در قلب و ذهنم بسیار گشته‌ام و فهمیده‌ام که به قدر محبتم توانسته‌ام خودم را به شما نزدیک کنم و این محبت هم به اندازه شناخت و معرفتم بوده است؛ پس اگر درجهٔ محبتم کم است، از کمی معرفتم به شماست.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند که در روز قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد، مگر اینکه از او دربارهٔ چهار چیز سؤال می‌شود: از عمرش که چگونه گذرانده، از جوانی‌اش که در چه راهی صرف کرده، از مالش که از کجا آورده و در چه هزینه کرده است و از دوستی اهل بیت ﷺ<sup>۱</sup>.

خوشا به حال آنان که به این چهار سؤال، پاسخ‌های قابلی می‌دهند؛ یعنی عمرشان را در راه شما طی کرده‌اند، جوانی‌شان صرف تبعیت از شما شده است، دارایی‌شان را از راهی کسب کرده و در مسیری خرج کرده‌اند که پسند شماست و در دوستی شما اهل بیت ﷺ نیز ثابت قدم بوده‌اند!

۱. نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، آمالی الصدوق، ص ۳۹.

## ره‌آورد محبت

محبتتان را در دل داشته‌ام که به زیارتتان آمده‌ام؛ اما می‌دانم محبت تنها، مرا به پیروی از شما نمی‌رساند. محبت باید همراه معرفت باشد؛ وگرنه به تنهایی راهگشا نیست. اصلاً این معرفت است که به درجهٔ محبت می‌افزاید. چه بسیار انسان‌های خوبی که هر روز در کوچه و خیابان می‌بینیمشان و از کنارشان عبور می‌کنیم؛ ولی آیا به همهٔ آن‌ها به یک اندازه محبت می‌ورزیم؟ مسلماً نه. این شناخت است که محبت می‌آورد و به دوستی منتهی می‌شود و این محبت است که به اطاعت و تبعیت می‌انجامد. پس معرفت و محبت ما به شما، باید در عمل به آنچه امر و نهی کرده‌اید، نمود پیدا کند؛ چراکه خودتان فرموده‌اید:

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُطِيعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَلَيْسَ مِنَّا.<sup>۱</sup>  
هرکس خودش را از ما بداند و خدا را نافرمانی کند، از ما نیست.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۶۶.





این نیز رهنمودی است از شما که فرموده‌اید:

لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَالْإِجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ إِتْكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَلَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ  
وَالْتَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ إِتْكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ

مبادا اعمال صالح و تلاش در عبادت را به اتکای دوستی آل محمد ﷺ رها کنید و مبادا دوستی آل محمد ﷺ  
و تسلیم در برابر امر آنان را به اتکای عبادت از دست بدهید؛ زیرا هیچ‌کدام از این دو، به تنهایی پذیرفته  
نمی‌شود!

وقتی که محبت شما با شناختی درست، در دلم قوی شود، آماده‌ام که آنچه فرموده‌اید، در زندگی‌ام  
پیاده کنم. امام من، این‌گونه کم‌کم شبیه پیروان شما می‌شوم و شما برای هرکه زندگی‌کردنش به  
سبک زندگی شما شبیه‌تر باشد، زمینه شفاعت و دادرسی را بیشتر مهیا می‌کنید.

۱. منسوب به علی بن موسی الرضا ع، الفقه المنسوب للإمام الرضا ع، ص ۳۳۹.



## کمال دین داری

تولی از ریشه ولایت و به معنای دوست داشتن خوبی‌ها و خوبان و خدای خوبان است و تبرّی از ریشه بُرائت، به معنای دوری‌گزیدن از بدی‌ها و بدکاران. محبت به شما، یعنی دوست داشتن اسلام و این، اصل دین است؛ اما هر جا سخن از محبت است، بُرائت را هم به همراه دارد. خود نیز فرموده‌اید:

کَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا.<sup>۱</sup>

کمال دین ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست.

روایتی از امام صادق علیه السلام نیز همین معنا را تأیید می‌کند. به این بزرگوار عرض شد که فلان کس به ایشان ارادت و محبت دارد؛ ولی در بُرائت از دشمنانشان ضعف نشان می‌دهد. حضرت فرمودند: «هیّهات! دروغ می‌گویند کسی که ادعای محبت ما را داشته باشد و از دشمنانمان تبرّی نجوید.»<sup>۲</sup> پس دوست داشتن شما، مرزبندی مشخصی است که باید مرا از دشمنانتان جدا کند و از این گذشته، حب و بغض نباید صرفاً در دل باقی بماند؛ بلکه باید در عمل نیز ظاهر شود. می‌دانم که چنین حب و بغض‌هایی بی‌فایده است؛ چنان‌که دردی از کوفیان دوا نکرد و تا همیشه تاریخ از آنان به بدی یاد می‌شود. در شرح واقعه کربلا خواندم که فرزّدق در میانه راه کوفه، امام حسین علیه السلام را ملاقات کرد و وقتی که امام علیه السلام از اوضاع کوفه پرسیدند، در جواب گفت: «مردم کوفه قلبشان با شماست؛ ولی شمشیرهایشان با بنی‌امیه است، نه با شما!»<sup>۳</sup> وقتی در این‌گونه احادیث می‌اندیشم، می‌فهمم آن قدرها هم که تصور می‌کنم، محبّ

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۳. محمدبن جریر بن رستم طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة، ص ۱۸۲.



شما نبوده‌ام: محبت شما برای من شیرین بوده است؛ اما شهد دشمنی و بیزاری از دشمنانتان را نچشیده یا کم چشیده‌ام! آقا، نگرانم از نمره دوست داشتن‌ها و برائت جستن‌های خودم! با خودم قرار گذاشته‌ام که به حب و بغض‌هایم بیشتر فکر کنم؛ چون می‌دانم که همین دوستی‌ها و دشمنی‌هاست که اعمالم را شکل می‌دهند: در نام‌گذاری فرزندانم دقت می‌کنم که پسندیده شما باشد؛ تلاش می‌کنم که محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) را در دل فرزندانم بنشانم؛ در مجالس ذکر اهل بیت (علیهم‌السلام) شرکت می‌کنم تا یاد شما را زنده کنم؛ از شرکت در مجالسی که کمک به گناه یا تأیید آن است، دوری می‌کنم؛ از ترویج شبهه‌ها و مطالب دروغین یا کلام بیهوده، حتی در فضای مجازی پرهیز می‌کنم؛ در اجتماعات سیاسی، همچون راه‌پیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس که در پایداری حکومت اسلامی مؤثرند، شرکت می‌کنم و مصمم هستم کاری نکنم که زمینه تسلط دشمن و کفار را بر سرزمین اسلامی‌ام فراهم کند؛ پس با خرید کالای ایرانی، هرچند گاهی با کیفیت کم، هم به تولید کالای مرغوب ایرانی کمک کرده و هم از تقویت پایه‌های اقتصادی بلاد کفر پرهیز می‌کنم.

این‌ها فقط برخی از کارهایی است که تولی و تبری من را نشان می‌دهد. برای انجام این‌ها و دیگر باید و نبایدهایی که دوستی‌ها و دشمنی‌های الهی من را آشکار می‌کند، به کمک شما نیاز دارم.

پناه هشتم، هر روز به نشانه دوستی با شما سلامم را تازه می‌کنم و با زیارتان از هرجا که باشم، از دشمنانتان تبری می‌جویم؛ چون زیارت شما را از نشانه‌های مهم تولی و تبری می‌دانم. پس ای راهنمای من در گمراهی‌ها، شما هم کمک کنید تا ظالمان به حق محمد و آل محمد را درست تشخیص دهم، ارتباطم را با آن‌ها قطع کنم، دوستشان نداشته باشم، یاری‌شان نرسانم و به هیچ شکل ممکن، نه قلبی و نه زبانی تأییدشان نکنم.



## عهد زیارت

زیارت شما عشق و محبت می‌خواهد: محبتی بیش از یک کشتش فطری، محبتی بیش از غریزه و فطرت، محبتی از روی فهم. قصد زیارت دارم: زیارتی با فهم و معرفت که سنت پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است. در روایات شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر ﷺ به زیارت شهدای احد می‌رفتند، برای زیارت قبور در قبرستان بقیع حاضر می‌شدند، به زیارت قبور سفارش کرده و حتی به زیارت خودشان در مدینه امر می‌کردند.

چنان‌که نافع، غلام عبدالله بن عمر گفته است، خود پیامبر ﷺ می‌فرموده‌اند:  
هرکس حج به جا آورد و مرا زیارت نکند، به من جفا کرده است.<sup>۱</sup>

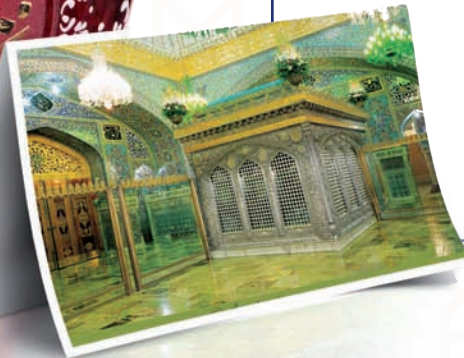
به دعوت شما آمده‌ام؛ اما همین آمدن نیز حقی است بر گردن من که باید ادا کنم. خودتان فرموده‌اید:  
إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ  
فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۲</sup>  
هرامی بر گردن دوستان و شیعیانش عهد و پیمانی دارد. نشانه وفای کامل به آن عهد و ادای نیکوی آن پیمان، زیارت قبور ایشان است؛ پس کسانی که از روی رغبت و شوق قبور امامانشان را زیارت کنند و آنچه آن‌ها خواسته‌اند، قبول داشته و تصدیق کنند (به آن عمل کنند)، ائمه ایشان در روز قیامت شفیعانشان خواهند بود.

۱. منسوب به علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه‌السلام، ص ۲۳۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۷.



پس اینکه به زیارت شما آمده‌ام و گاه، دوری راه و سختی  
سفر را به جان خریدهام، وظیفه‌ام بوده است.  
امام مهربان من، این بار آمده‌ام تا شاید حق زیارتتان را  
ادا کنم. کمکم کنید تا این حق را نیکو به جا آورم.



# آغوش مهربانی

قصد زیارت دارم: عملی پرارزش که در سنت پیامبر ﷺ و دیگر معصومان علیهم السلام به محکمی تأیید شده است؛ اما دوست دارم پای دلم را هم محکم کنم تا مبادا با طوفان شبهه‌ای بلغزد و نیتم را سست کند. می‌خواهم بدانم زیارت یعنی چه. در مفاهیم دینی که جست‌وجو کردم، با تقسیم‌بندی‌های مختلفی از زیارت مواجه شدم که بارزترینشان این‌هاست:

**۱ زیارت آحیا (زنده‌ها):** زیارت برادران دینی، زیارت والدین، زیارت زائران ائمه علیهم السلام و ...

**۲ زیارت درگذشتگان:** در درجه اول زیارت معصومان علیهم السلام و امامزاده‌های والامقام علیهم السلام، سپس زیارت مرقد علما و بزرگان، زیارت مرقد شهیدان و زیارت سایر قبور.

زیارت را از نظر مسافت و مکان نیز به دو نوع، یعنی زیارت از دور (بعید) و زیارت از نزدیک تقسیم کرده‌اند. احادیث فراوانی وجود دارد که صحت زیارت از راه دور را تأیید می‌کنند؛ از جمله اسحاق بن عمار روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم ﷺ سلام کنید؛

هرچند سلام و درود از راه دور نیز به آن حضرت می‌رسد.<sup>۱</sup>

وقتی که فضیلت‌های زیارت مرقد مطهرتان را مرور می‌کنم، حسرت تمام وجودم را فرا می‌گیرد و برای زیارت حرمتان، سر از پا نمی‌شناسم؛ اما حقیقت زیارتتان را که دریافتم، تمام این حسرت، تبدیل به آرزویی مقدس شد: آرزویی که اگر برآورده شود، شاکرم و اگر بنا به حکمتی برآورده نشود، باز هم شکرگزارم. حقیقت زیارت «خُصُورُ الزَّائِرِ عِنْدَ الْمَوْزُورِ» است؛ یعنی همین که فرد، خود را نزد

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۲؛ محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۳۸.





زیارت شونده احساس کند و او را ناظر اعمال خود بداند، زائر است. من از راه دور هم می‌توانم به شما که ولیّ خدايید، رو کنم و اگر این توجه به شما، مرا از توجه به غیر باز دارد، هر جا که باشم، به شما نزدیکم. در زیارت جامعۀ کبیره، از زبان امام علی النقی الهادی علیه السلام می‌خوانیم که هر کس آهنگ دیدار خداوند کرده است، به شما رو آورده است:

مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ<sup>۱</sup>

پس من با زیارت شما، به سوی خدا هجرت می‌کنم و مگر نه این است که راه هجرت به سوی خدا، دور نیست؟! این کلام دلنشین سیدالسادین علیه السلام است که در دعای سحرهای ماه مبارک رمضان، خداوند را چنین خطاب کرده‌اند:

أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ<sup>۲</sup>

هر که به سوی تو حرکت کند، مسافتش نزدیک است.

با این نگاه، دیگر خودم را از شما دور نمی‌پندارم.

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۳.

۲. محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۳۲.



## پابوس

من هنوز فضیلت‌های زیارت شما را نمی‌دانم؛ اما این قدر فهمیده‌ام که حتماً فرق است بین ثواب زیارت کسی که با پای پیاده یا در برف یا گرمای شدید و از مسافتی دور و با مشقت به زیارتتان می‌آید، با ثواب زیارت آن که راحت و آسان مهمانتان می‌شود! این را هم می‌دانم که هر قدر نیتم برای زیارت شما خالص‌تر و صادقانه‌تر باشد، درجه‌ام در بین زائرانتان برتر است. مگر ممکن است درجه کسی که فقط برای تقرب الهی به زیارت می‌رود، با کسی که برای تفریح و تجارت و گرفتن حاجت زائر شما می‌شود، یکسان باشد؟

امام رئوف من، مثل تمام سفرها، چمدانم را بسته‌ام؛ اما این بار برای دل و جانم نیز توشه‌ای برداشته‌ام: تصمیم گرفته‌ام از همین حالا، نماز را که عهد بندگی است، بموقع و در وقتش به جا آورم؛ سعی کرده‌ام شما را بیشتر بشناسم و دلم را برای زیارتتان آماده‌تر کنم؛ از آشنایان و فامیل خداحافظی کرده‌ام و برای کوتاهی‌هایم در حق آن‌ها حلالیت طلبیده‌ام؛ برای دفع بلا صدقه داده‌ام و تمرین کرده‌ام که با هم‌سفرانم خوش‌اخلاق باشم و هر قدر توان دارم، به آن‌ها کمک کنم.

یاری‌ام کنید تا رفتارم همان باشد که شما می‌پسندید!



حین زیارت



هشتمین دلیل و حجت خداوندی، حالا که دعوت‌م کرده‌اید و تلاش کرده‌ام که به محضرتان برسم، کمکم کنید تا آن‌طور که شایسته است به حرمتان وارد شوم. می‌دانم که برای حضور در هر ضیافتی آدابی لازم است؛ پس کمکم کنید تا با ادب و آداب مهمانان و زائران شایسته وارد حرمتان شوم. می‌دانم که به خانهٔ پاکان برگزیده نمی‌توان آلوده وارد شد؛ پس باید سبک شوم و هرچه بدی است، از خودم دور کنم:

﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾

این بار می‌خواهم همان‌طور که نگران پاکیزگی ظاهرم هستم، برای پاکیزگی باطنم نیز فکریایی بکنم. در اولین قدم، تصمیم گرفته‌ام برای کنارگذاشتن کارهایی که به اشتباه بودند نشان اطمینان دارم، برنامه‌ریزی کنم و برای ترکشان، جدی و مستمر تلاش کنم. این، تازه آغاز راه توبه و پاکیزگی است. کمکم کنید که در این زیارت، معرفتم را بیش از پیش افزایش دهم!





## رسم حضور

به حرمتان رسیده‌ام و بر در خانه‌ای ایستاده‌ام که از خانه‌های حبیب خداست: «اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>۱</sup> در خانه شما همیشه باز است؛ ولی من برای ورود اجازه می‌گیرم: فقط به رسم ادب و فقط برای اینکه نشان دهم به این آیه از قرآن عمل کرده‌ام: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»<sup>۲</sup> (ای اهل ایمان، به خانه‌های پیامبر [و اهل بیتش] جز با اجازه وارد نشوید).

به حرمتان راه یافته‌ام. یقین دارم که شما زنده‌اید، جایگاهم را می‌بینید، سخنانم را می‌شنوید و سلامم را جواب می‌دهید. سلامم را جواب داده‌اید. من نشنیده‌ام؛ اما دلم لرزیده و از لذت مناجات با شما، اشک شوقم جاری شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي اعْتَقَدْتُ [اعْتَقَدُ] حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا اعْتَقَدْتُهَا فِي حَضَرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْيَاءُ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنْتَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ»<sup>۳</sup>

شما دعوت‌م کرده‌اید! حتماً قبل از اینکه من بخواهم و راهی زیارتتان شوم، شما خواسته‌اید که اینجا باشم. در خانه‌تان را به صدا درآورده‌ام؛ چون شما خاندان، جایگاه ورود به سوی خدايید. پدر بزرگوارتان، باقرالعلوم علیه السلام در شرح آیه ۱۸۹ سوره مبارکه بقره که می‌فرماید: «نیکی این است که پرهیزکار باشید و به خانه‌ها از در آن‌ها وارد شوید»، منظور از آن درها را شما ائمه دانسته‌اند.<sup>۴</sup> با تمام وجود، در خانه‌تان ایستاده‌ام و امیدوارم که خداوند اندک توشه‌ای را که به همراه دارم، جبران کند و شایسته حضور در حرم شما شوم. از شما نیز می‌خواهم که به من اجازه ورود دهید؛ اجازه‌ای همانند همان اذن ورودهایی که به بهترین دوستانتان می‌دهید: «فَأَذِنُ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ»<sup>۵</sup> می‌دانم دوستان شما با رعایت آداب اجازه ورود می‌گیرند و در حرمتان حضور می‌یابند. من این آداب را در کتاب‌ها چنین خوانده‌ام:

۱. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، مصباح الکفعمی، ص ۴۷۲.

۲. أحزاب، ۵۳.

۳. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، مصباح الکفعمی، ص ۴۷۳.

۴. محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، التفسیر، ج ۱، ص ۸۶؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۰۴.

۵. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، مصباح الکفعمی، ص ۴۷۳.





## ۱ معرفت و شناخت حق امامان معصوم علیهم السلام

یکی از آداب زیارت معصومان علیهم السلام و به عبارتی مهم‌ترین شرط زیارتشان این است که متوجه باشیم اطاعت از آن بزرگواران واجب است و اعتقاد داشته باشیم که معصومان علیهم السلام شاهد و ناظر اعمالمان هستند.



## ۲ توبه از گناهان و استغفار

شایسته است هنگام حضور در محضر ولی الله، از اعمال ناشایستی که انجام داده‌ایم، احساس شرمندگی کرده و تصمیم جدی بر ترک گناهان داشته باشیم. در این صورت، از غفران الهی برخوردار خواهیم شد و قطعاً سلام کردن درحالی که از گناهان پاک باشیم، مقبول حضرتش خواهد بود و از عنایات ویژه امام بهره‌مند خواهیم شد.



## ۳ غسل و وضو و پوشیدن لباس‌های پاکیزه و معطر

ورود به حرم مطهر و مزار شریف امامان معصوم و حجج الهی علیهم السلام ایجاب می‌کند که انسان غسل کند تا بدنش پاک و پاکیزه باشد؛ همچنین لباس تمیز و نظیف و معطر<sup>۱</sup> بپوشد تا هنگام ورود به روضه منوره، همه وجودش سرشار از پاکی و نظافت باشد.

۱. استفاده از عطر، برای خانم‌ها تابع احکام فقهی خاصی است که هریک از این بزرگواران، باید براساس حکم مرجع تقلید خود عمل کنند.

## ۴ خواندن اذن دخول، هنگام ورود به حرم‌های مطهر

از دیگر آداب زیارت این است که زائر هنگام ورود به حرم مطهر، مقداری بایستد و با خواندن عبارات اذن دخول، از صاحب قبر مطهر اجازه ورود بطلبد. خواندن این عبارات و تأمل در آن‌ها، سبب آمادگی بیشتری برای ورود به حرم مطهر می‌شود.



## ۵ پرهیز از آزار و اذیت دیگران

وقتی انسان در حرم مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام حاضر می‌شود، باید با کمک به دیگر مهمانان ایشان و پرهیز از آزار و اذیت آنان، در جلب رضایت آن امامان عزیز علیهم‌السلام بکوشد؛ مثلاً مراقب باشد که در حرم مطهر و روضه منوره، با صدای بلند صحبت نکند و چنانچه دست‌رساندن به ضریح مطهر و بوسیدن آن، موجب آزار و اذیت سایر زائران می‌شود، از انجام این عمل مستحبی پرهیز کند تا مرتکب حرام نشود.



## ۶ خضوع، خشوع، ذکر گفتن و حضور قلب

خوب است انسان هنگام ورود به حرم‌های مطهر و تشریف به محضر امامان معصوم علیهم‌السلام، سربه‌زیر باشد و قدم‌هایش را آرام بردارد و لبانش به ذکر خداوند متعال مترنم باشد. این خضوع اعضا و جوارح، موجب خشوع قلب شده و آمادگی بیشتری را در انسان ایجاد می‌کند.



## ۷ سلام کردن و توجه به حضور معنوی معصومان علیهم السلام

یکی دیگر از آداب زیارت این است که زائر هنگام ورود به روضه منوره، با سلام کردن به صاحب قبر شریف، عرض ادب کرده و پس از اینکه وارد روضه منوره شد، خود را در محضر امامی احساس کند که می‌داند سلامش را می‌شنود و جوابش را هم عنایت می‌کند؛ اگرچه شاید گوش او از شنیدن صدای دلربا و چشمش از دیدن قامت رعناي آن امام همام محروم باشد.



## ۸ خواندن زیارت‌نامه‌های مأثور روایت شده از معصومان علیهم السلام

خواندن این زیارت‌نامه‌ها زائر را در حال وهوای ملکوتی خاصی فرو می‌برد؛ آن چنان که با زمزمه این عبارت‌ها که حرف دل میلیون‌ها انسان علاقه‌مند و دل‌داده است، خود را در محضر امام و در حال صحبت با ولی خدا احساس می‌کند. از جمله زیارت‌نامه‌هایی که می‌توان با آن‌ها هریک از معصومان علیهم السلام را زیارت کرد، زیارت امین‌الله و جامعه کبیره است.



## ۹ خواندن نماز و دعا در حریم‌های مطهر

یکی دیگر از آداب زیارت، خواندن دو رکعت نماز زیارت یا نماز هدیه به ارواح مطهر معصومان علیهم السلام است. این نماز را می‌توان در هر مکان از حرم‌های مطهر به جا آورد؛ اما بهتر است آن را بالای سر مبارک صاحب قبر شریف بخوانیم؛ البته در صورتی که امکان داشته باشد و باعث اذیت و آزار دیگران نشود. یکی از بهترین اعمال در حرم‌های اهل بیت علیهم السلام دعا کردن است، مخصوصاً بعد از زیارت و نماز؛ زیرا در این حالت، شروط و ظروف دعا بسیار مساعد و مناسب استجابت است.



## ۱۰ تلاوت قرآن

چه زیبا و دلنشین است که زائر در کنار قبر مطهر حجت خدا، آیات و سوره‌هایی از قرآن کریم را تلاوت کند و ضمن هدیه ثواب آن تلاوت به صاحب قبر مطهری که به زیارتش آمده است، به دو یادگار پیامبر گرامی اسلام ﷺ، یعنی قرآن و عترت تمسک جوید.



## ۱۱ توجه به واجبات و نماز اول وقت

هنگام زیارت، باید شبیه امام شویم تا عنایت خداوند متعال شامل حالمان شود. برخی از نشانه‌های هم‌رنگ شدن با معصومان علیهم‌السلام این است که همانند ایشان، در عمل به دستورات و واجبات الهی کوتاهی نکرده و از محرمات الهی بپرهیزیم و نیز هنگام اذان، زیارت را رها کرده و در نماز اول وقت شرکت کنیم.





## منزلت زیارت

به حرم رسیده‌ام، گام‌هایم را کوتاه برداشته‌ام، از صحن‌ها و رواق‌ها گذشته‌ام و حالا مقابل ضریح مطهر شما ایستاده‌ام. در تمام این مسیر، به رسم آداب زیارت شما، ذکر «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «سُبْحَانَ اللَّهِ» و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ذکر مُدام قلب و زبانم بوده است تا خدا را به بزرگی یاد کرده و پیوسته به خودم یادآوری کنم که این همه برکات، از رحمت و حکمت آن یگانه است.<sup>۱</sup> زیر قبه‌تان ایستاده‌ام؛ ولی در آسمان‌ها سیر می‌کنم؛ چرا که شنیده‌ام نبی مکرم اسلام ﷺ شما را نیز مثل مادر تان فاطمه زهرا (علیها السلام) پاره تن خود نامیده و فرموده‌اند:

پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود. هیچ گرفتاری او را زیارت نمی‌کند؛ جز اینکه خداوند پیریشانی‌اش را برطرف می‌کند و هیچ گنهکاری به زیارت او نائل نمی‌شود؛ مگر آنکه خداوند گناهانش را می‌آمرزد.<sup>۲</sup> زیارت شما زائر تان را به جایگاهی می‌رساند که در حسرت دستیابی به آن، غبطه خوردن هم کم است! پدر بزرگوار تان امام صادق (علیه السلام) از جایگاه زائر شما این طور سخن گفته‌اند:

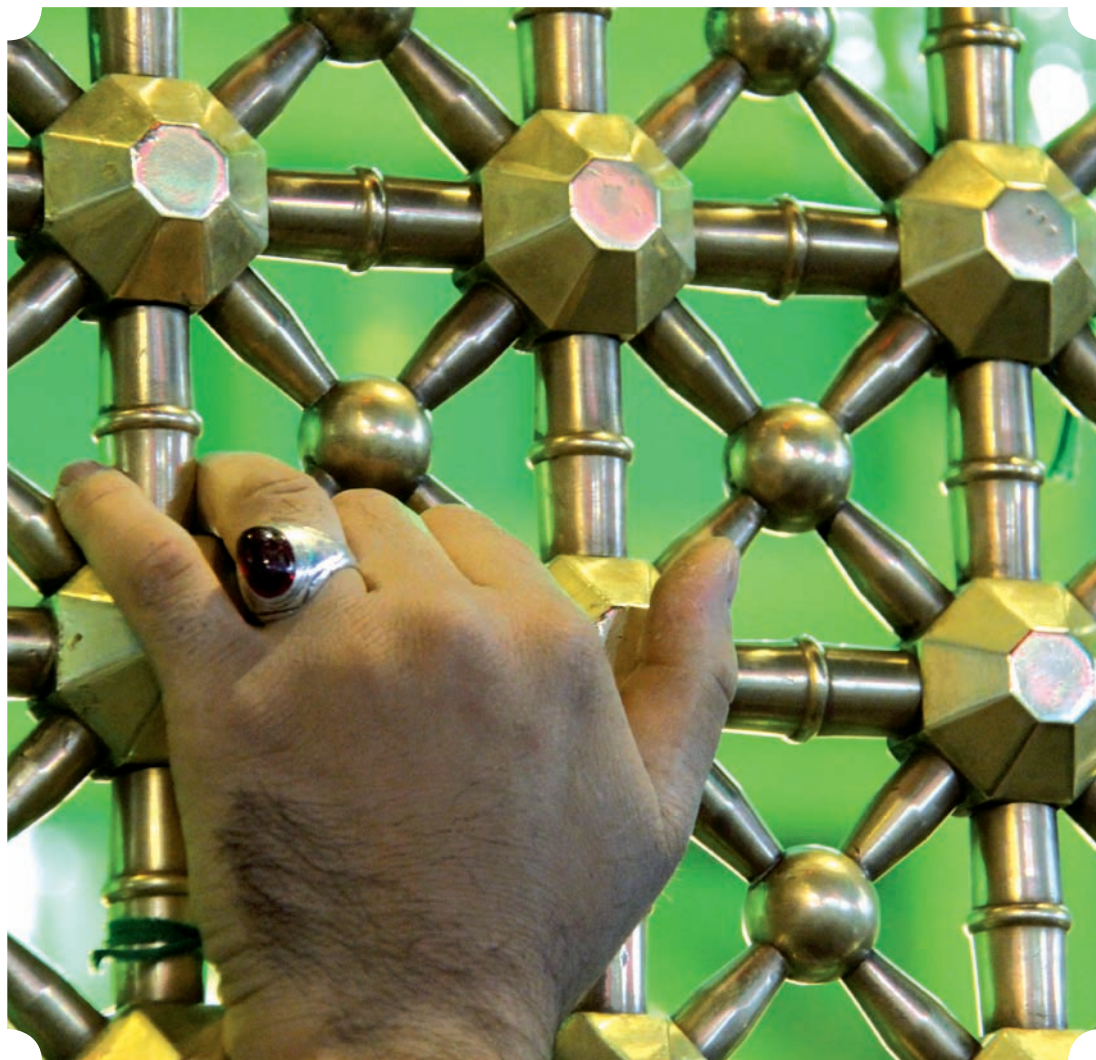
نوه مرا در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس به قتل می‌رسانند. کسی که او را با شناخت حقش زیارت کند، در روز قیامت به دست خودم دستگیری‌اش کرده و او را وارد بهشت می‌کنم...<sup>۳</sup> خودتان نیز در کلامی خطاب به شاعر معروف اهل بیت، دعبل خزائی، زائر تان را هم مرتبه با خود خوانده‌اید: روزها و شب‌های چندانی نمی‌گذرد، مگر اینکه طوس، محل رفت و آمد شیعیان و زائران من می‌شود. آگاه باش! پس هر که مرا در غربتم در طوس زیارت کند، روز قیامت، همراه من و در رتبه من خواهد بود و آمرزیده خواهد شد.<sup>۴</sup> آقا، این‌ها فقط برخی از فضایل زیارت شماست و من در حسرت زیارتی هستم که این همه را به دنبال داشته باشد!

۱. نک: جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۳۰۹؛ محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۴۸.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۳؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، آمالی الصدوق، ص ۱۱۹؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۵۳.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.

۴. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۵۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۹.



## لحظه‌های ناب

مگر چقدر پیش می‌آید که بتوان در دنیا بهشت را تجربه کرد؟! حرم شما باغی است از باغ‌های بهشت. سرزدن به این بهشت را باید غنیمت دانست. از بزرگان دین شنیده‌ام که بهتر است این زمان را به خواندن قرآن و نماز که کلام خدا و ذکر خداست، مشغول شویم؛ چراکه این دو، سرآمد عبادت‌ها و سرفصل اصلی سیره عبادی ائمه علیهم‌السلام بوده است. می‌دانم که شرکت در نماز جماعت حرم‌های مطهر شما خاندان، افضل است به خواندن نماز جماعت در دیگر مساجد. سعی می‌کنم خواندن نمازها در اول وقت را رعایت کنم و به خودم یادآوری کنم زیارت در زمان برگزاری نماز جماعت، بی‌ادبی به محضر شماست که امام رئوفید. زیارت فرصت نابی است برای استجابت دعا برای به دست آوردن خوبی‌های دنیا و آخرت. زمان طلایی حضور در حرم شما که عالم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستید نیز پُر است از فرصت‌هایی برای یادگیری و بهره‌برداری علمی و معرفتی؛ پس از حضور در سخنرانی‌ها و حلقه‌های معرفت که در حرمتان برگزار می‌شود، غفلت نمی‌کنم.





## داستانک

### توجه به نماز

امام گوشه دستار را از سر باز کردند و همین طور که به سایه می رفتند، به ابراهیم بن موسی قزاز گفتند که اذان بگوید. ابراهیم نگاهی به اطراف کرد: خودش بود و امام. خورشید وسط آسمان نشسته و هنوز کمی مانده بود تا همراهانشان برسند. با کمی دقت، در دورترها گروهی را دید که به سمتشان می آمدند. فکر کرد بهتر است منتظر بماند تا آن ها هم برسند و نماز را با امام بخوانند. به امام رضا علیه السلام رو کرد و همان طور که به مسیر طی شده اشاره می کرد، پرسید: «بهتر نیست کمی صبر کنیم تا بقیه هم به ما ملحق شوند؟» امام با نگاهی سرشار از مهر به ابراهیم فرمودند:

خداوند، تو را بیامرزد! هرگز بدون علت، نماز را از اول وقت آن، به تأخیر نینداز. همواره مراقب اول وقت باش!

صدای ابراهیم به اذان بلند شد: «اللَّهُ أَكْبَرُ...»<sup>۱</sup>.

۱. نک: سعید بن هبة الله راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

خواستم وارد مسجد شوم که دیدم پیامبر ﷺ ایستاده‌اند و پیش نمی‌روند. تأمل کرده بودند. جلوتر رفتیم. زمزمه چند نفری که قرآن می‌خواندند یا ذکر رکوع و سجود می‌گفتند، با صدای مردانی که صحبت می‌کردند، در هم آمیخته بود. پیامبر ﷺ به جوان‌هایی که مشغول گفت‌وگو بودند، نگاه می‌کردند. دقیق‌تر که شدم، فهمیدم درباره یک مسئله فقهی حرف می‌زنند. با خود گفتم: «شاید رسول خدا ﷺ می‌خواهند تذکری بدهند که این زمان باقی‌مانده تا اذان را به عبادت مشغول شوند.» همان‌طور ایستادم تا ببینم چه خواهد شد. رسول خدا ﷺ به سمتشان حرکت کردند و شنیدم که به صحابی همراهشان می‌فرمودند: «ببین، آن مرد که قامت بسته و نماز می‌خواند، آن یکی که قرآن تلاوت می‌کند و این‌ها که بحث علمی می‌کنند، همه به کارهای خوبی مشغول‌اند. گروهی برای عبادتشان و دسته‌ای برای فهمشان تلاش می‌کنند؛ اما این‌ها که به سمتشان می‌روم، برترند. من برای یاددادن و فهماندن مبعوث شده‌ام!»

مردان که تازه متوجه پیامبر خدا ﷺ شده بودند، به احترام ایشان برخاستند و جایی برای حضرت باز کردند.<sup>۱</sup>



۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۶.

آقای من، اینکه به حرمتان آمده‌ام، برای عرض حاجت هم بوده است. حاجاتم را از طریق شما از خداوند می‌خواهم؛ زیرا شما اهل بیت، باب‌الله هستید و از در خانه خدا، هیچ دعایی رد نمی‌شود. می‌دانم که خداوند دستی را که به دعا بلند شده است، پُر می‌کند: حالا شاید نه آن‌طور که من بخواهم؛ اما حتماً طوری دیگر که به مصلحتم باشد، پُرش می‌کند. امام مهربان، می‌دانم شاید آن‌طور که دعا می‌کنم و همان لحظه که می‌خواهم، خواسته‌هایم به‌دستم نرسد؛ اما یقین دارم که دعا‌هایم به گونه‌هایی دیگر مستجاب می‌شود: گاهی وقت‌ها مشابه حاجتم را به من می‌دهند، گاهی حاجتم را در زمانی دیگر می‌دهند، گاهی یکی از خطاهای بسیارم را می‌بخشند، گاهی بلایی را از من دفع می‌کنند، گاهی حاجت یکی از عزیزانم را برآورده می‌کنند، گاهی به امواتم هدیه‌ای می‌رسانند و گاهی هم حاجتم به‌ظاهر برآورده نمی‌شود و ذخیره قیامت می‌شود.

آقای رئوف، حرمتان پناه غم‌دیدگان و دردمندان است و محل اجابت دعایشان؛ چنان‌که فرزندان امام علی النقی (علیه السلام) فرموده‌اند: کسی که از خدا حاجتی می‌خواهد، قبر جدم حضرت رضا (علیه السلام) را در طوس زیارت کند: با غسل و طهارت، بالای سر آن حضرت، دو رکعت نماز به‌جا آورد و در قنوت نمازش حاجت خویش را طلب کند. خداوند حاجتش را در صورتی که گناه یا قطع رحم نباشد، برآورده می‌کند و به‌درستی که محل قبر آن حضرت، یکی از کاخ‌های بهشت است و مؤمنی آن را زیارت نمی‌کند؛ جز آنکه خداوند از آتش دوزخ آزادش کرده و او را به خانه همیشگی بهشت وارد می‌کند.<sup>۱</sup>

برایم از خداوند بخواهید هدایت به راه شما را که راه هدایت و مستقیم است: ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾<sup>۲</sup> برایم بخواهید که اعمالم پذیرفته باشد: ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا﴾<sup>۳</sup> از خداوند برایم عاقبت به‌خیری خود و خانواده‌ام را بخواهید و اینکه زیارت دوباره شما را به‌همراه حق معرفتتان روزی مان کند.

ولی نعمت مهربان، خواسته‌های زیادی دارم که به رزق و روزی و آرامش و خوشبختی خود و خانواده‌ام مرتبط است. آقای من، می‌دانم که باید کوچک‌ترین نیازهایم را هم بشناسم و از شما بخواهم، حتی بند کفش و نمک غذایی را! ای گره‌گشای هستی، من در محضر شما برای شفای تمام مریض‌ها دعا می‌کنم و نیز برای شفای بیماری‌های قلبم: برای رهاشدن از بند حسادت و تکبر و ریا و عجب و برای حضور قلبم در نماز و دعا و زیارت! آقا، دعا می‌کنم برای در آمان ماندن از وسوسه‌های شیاطین. دعا می‌کنید!

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۶۲؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۹۹.

۲. حمد، ۶.

۳. بقره، ۱۲۷.





## خوان کرم

مولای من، زیارت شما پُربرکت است. شما خاندان کرم هستید. مگر می‌شود کسی به دیدارتان بیاید و بی‌صله و تحفه برگردد! زیارتتان پُربرکت است؛ حتی اگر برای من، فقط به جا آوردن یک عهد یا دیدار شما از سر محبت باشد. امام هشتم، در حرم امن شما مشغول زیارت هستم. برتری‌ها و ویژگی‌های زیارت شما را شنیده‌ام و حالا که آداب زائرشدن را یاد گرفته‌ام، چیزهای دیگری نیز درباره کرم‌تان فهمیده‌ام: من به در آمان ماندن از هجوم بلاها در پناه این حرم ایمان دارم و برای همین به زیارتتان شتافته‌ام. می‌دانم که لطف نکرده‌ام و وظیفه داشته‌ام که به دیدار سروری چون شما بیایم؛ اما حالا فهمیده‌ام که کرامت شما خانواده، محدود به زمان و مکان مشخصی نیست و در هر زمان و از هر مکانی که زیارتتان کنیم، خیرهای دنیا و آخرت را نصیب زائران می‌کنید. زیارتتان بهره و ثمری دارد که مثلش را در هیچ‌کجا نمی‌توان یافت! من این‌ها را هم آموخته‌ام:



### نشاط و شادابی

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند:

پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می‌شود. هیچ گرفتاری او را زیارت نمی‌کند؛ جز اینکه خداوند پریشانی را از او برطرف می‌کند و هیچ گنهکاری به زیارت او نائل نمی‌شود؛ مگر آنکه خداوند گناهانش را می‌آمرزد.<sup>۲</sup>

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۳.



### پاداش حج و عمره مقبول

امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند:

پاداش کسی که قبر فرزندان علی علیه السلام را زیارت کند، برابر با اجر هفتاد حج نیکو و مقبول خواهد بود. سلیمان مازنی از سر تعجب پرسید: «هفتاد حج؟» پاسخ حضرت بر تعجبش افزود: «هفتاد هزار حج.» این بار عرض کرد: «زیارت او به اندازه هفتاد هزار حج پاداش دارد؟!» حضرت فرمودند:

آری! بسیاری از حج‌ها پذیرفته نمی‌شوند. هرکس فرزندان علی را زیارت کند و یک شب نزد ایشان بماند، به کسی می‌ماند که خدا را در عرش زیارت کرده است.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۵.



## نجات و فیادرسی ویژه

امام رضا علیه السلام فرموده اند:

کسی که با وجود دوری راه من به زیارتم بیاید، روز قیامت در سه جا [برای دستگیری] نزد او خواهم آمد تا از بیم و گرفتاری آن موقف ها خلاصش کنم: هنگامی که نامه ها [ای اعمال] از راست و چپ به پرواز درمی آید [و به دست راست یا چپ انسان ها داده می شود]، نزد [پل] صراط [و هنگام گذشتن از آن] و نزد میزان [که اعمال را می سنجند].<sup>۲</sup>

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.



## آمرزش گناهان

امام جواد علیه السلام فرموده اند:

هرکس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خدا گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۵.



## نجات در روز قیامت

مردی از اهل خراسان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمودند: «چگونه است حال شما آنگاه که در سرزمینتان پاره تن من دفن شود و حفظ و نگهداری امانت مرا از شما بخواهند و ستاره من در خاک شما پنهان شود؟!» این مطلب را خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد. حضرت فرمودند:

من هستم آن که در سرزمین شما مدفون می شود و من هستم پاره تن پیامبر شما و آن امانت و آن ستاره. آگاه باشید که هر کس مرا زیارت کند و معرفت داشته باشد به آنچه خداوند عز و جل از حق من و اطاعتم واجب کرده است، من و پدرانم شفیعی های او در روز قیامت خواهیم بود و نجات خواهد یافت؛ حتی اگر به اندازه گناه جن و انس را برگردن داشته باشد.<sup>۲</sup>

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.



## شفاعت در قیامت

امام رضا علیه السلام فرموده اند:

هیچ یک از دوستانم مرا [که امام واجب اطاعه هستم] با معرفت به حقم زیارت نمی کند؛ مگر اینکه روز قیامت او را شفاعت خواهم کرد.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۳.





## ثواب مجاهدان و شهیدان

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

یکی از نوه‌های من در سرزمین خراسان، در شهری کشته خواهد شد که به آن طوس می‌گویند. هرکس او را زیارت کند، درحالی‌که حقش را بشناسد، ... خداوند عز و جل به او اجر هفتاد شهید از شهیدانی را خواهد داد که [با ایمان و] از روی حقیقت، در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده‌اند.<sup>۲</sup>

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.



## موقعیت خاص در قیامت

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

قسم به آن‌که بعد از محمد صلی الله علیه و آله ما را به امامت گرامی داشت و به وصایت [و جانشینی آن حضرت] مخصوص کرد، زائران قبر من گرامی‌ترین افرادی خواهند بود که روز قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوند.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۵۰ و ۵۵۱.





## با فضیلت تراز همه زیارت‌ها

علی بن مهزیار به امام جواد علیه السلام عرض کرد:  
فدایتان شوم! زیارت امام حسین علیه السلام فضیلت  
بیشتری دارد یا زیارت پدرتان [حضرت رضا علیه السلام]?  
جواد الائمه علیه السلام در پاسخ فرمودند:  
زیارت پدرم با فضیلت‌تر است؛ زیرا همه مردم به  
زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند؛ اما پدرم را فقط  
شیعیان خاص زیارت می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۸۴.



## پاداش زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند:  
پسرم علی علیه السلام مظلومانه با سم کشته خواهد  
شد... هرکس او را زیارت کند، مانند آن است که  
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده است.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۴۳.





## غبارِ راه

آقای من، نعمت زیارتان نصیبم شده است: نعمتی با این همه خوبی و فضیلت که هر قدر شناختم از شما بیشتر باشد، بهره‌ام از این نعمت بیشتر خواهد بود. اما نگرانم! نگرانم که چطور مراقب این نعمت بزرگ باشم و آن را محفوظ نگه دارم. برای پاسخ این سؤال، بسیار جست‌وجو کردم تا اینکه دلم با کلامی از خودتان آرام گرفت:

ای مردم، از خدا بترسید و نعمت‌های او را قدر بدانید و با گناه و نافرمانی از او، نعمت‌ها را از خودتان دور نکنید؛ بلکه با اطاعت و بندگی خداوند و شکرگزاری بر نعمت‌ها و عطایای پی‌درپی الهی، آن‌ها را دائمی و همیشگی کنید.<sup>۱</sup>

باید حواسم را جمع کنم: از وقتی به محضرتان رسیده‌ام، از اشتباه‌ها و گناه‌هایم به سمت خوبی‌ها برگشته‌ام؛ اما باز هم ممکن است از روی عادت اشتباه کنم! ممکن است ناشکری کنم و خیلی از نعمت‌ها را نبینم یا حتی ممکن است مغرور شوم! اصلاً شاید همین جا مغرور شوم و با خود بگویم: «حتماً خیلی خوب بوده‌ام که توفیق زیارت یافته‌ام!»

پناه هشتم من، به شما پناه می‌برم از غرور و ریا! حواسم هست که اگر توفیق یافته‌ام در این حرم باشم، به خاطر لطف زیاد شماست؛ وگرنه تمام عبادت‌ها و خوبی‌های من، در برابر نعمت‌های بی‌شمار خدا، عددی نیست که خودم را خوب بدانم و برای چنین زیارت بابرکتی، لایق.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۳۸۶.



بعد از زیارت



امام همیشه رضای من، برای خداحافظی خدمتتان آمده‌ام. آمده‌ام از شما تشکر کنم؛ برای اینکه دعوت‌م کردید، برای اینکه اجازه ورود به حرمتان را به من دادید و برای اینکه من را با این همه هدیه راهی وطن می‌کنید.

آقای خوب من، از زیارت شما هدایای خوبی برای خودم به همراه می‌برم: هدیه زیارت شما عشق و معرفت است، هدیه زیارت شما صفا و پاک کردن دل از غیر خداست، هدیه زیارت شما گذشت و فراموش کردن بدی‌های دیگران و یادآوری بدی‌های خود است، هدیه زیارت شما یادآوری خوبی‌های اطرافیان است، هدیه زیارت شما پشتیبانی از ولایت فقیه و مقاومت در برابر دشمنان است؛ اما بهترین هدیه این سیروسلوک بهشتی، ولایت شماست. بهترین هدیه، این است که شما مولایم باشید و من همیشه در پناhtان!

\*\*\*

خدا را شکر که جودهای شما ائمه را مایه این همه خیر و برکت قرار داد!



## عهد ماندگار

از وقتی که زیارت وداع را خوانده‌ام، سؤالی ذهنم را مشغول کرده است. با خودم فکر می‌کنم بعد از زیارت چه کنم که همیشه و همیشه جزو زائران شما بمانم؟ من خوبی‌های زیادی را در این زیارت تمرین کرده‌ام: نماز اول وقت، تلاوت قرآن، حیا و عفاف، فکرکردن درباره‌ی درست یا اشتباه بودن کارهایم و... حالا دغدغه‌ام این است که چطور ارزش‌هایی را که به دست آورده‌ام، حفظ کنم؟ می‌دانم که زیارت درواقع یعنی عهد و قول و قرار و زائر کسی است که با شما عهدی بسته و قراری گذاشته است. خیلی فکر کرده‌ام و حالا در این آخرین زیارت این بارم، قصد دارم با شما سه قرار بگذارم و سه عهد ببندم:

مقتدای مهربان، من در بندگی ناقصم! پیش شما آمده‌ام تا کامل شوم. سبک زندگی شما نمونه‌ی کامل بندگی است. می‌خواهم شبیه شما شوم. راه شباهت به شما چیست؟ در نماز

### ۱ عهدامامت

جماعت دیده‌ام که همه‌ی ما از راه «اطاعت» شبیه امام جماعت می‌شویم: امام به رکوع می‌رود، ما هم به رکوع می‌رویم؛ امام به سجده می‌رود، ما هم به سجده می‌رویم و... می‌خواهم در زندگی، شما امام و الگو و مقتدایم باشید و در همه‌ی امور از شما تبعیت کنم. می‌خواهم هم‌شکل با شما زندگی کنم. می‌خواهم راه شما، راه من باشد؛ هدف شما، هدف من باشد؛ اخلاق شما، اخلاق من باشد و دستورات شما، مقررات من: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»<sup>۱</sup>

مولای رئوف، من شما را امامی می‌دانم که در هر مکانی باشم، ناظر اعمالم هستید و نظر لطفتان از من دور نیست.

۱. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۸.



دوست دارم زندگی ام طوری باشد که خدا و شما اهل بیت، از آن راضی باشید؛ پس عهدهم با شما این است که پسند شما پسندم باشد و از آنچه شما تبرّی می‌جوئید، من هم دوری کنم. تلاشم در تمام زندگی این است و گواهی می‌دهم که شما امامان من در دنیا و آخرت هستید: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ»<sup>۱</sup>

## ۲ عهد زیارت

امام مهربان، پارهٔ تن رسول خدا ﷺ، زیارت شما وظیفهٔ من است و عهدهی است که همیشه بر گردن دارم؛ پس از این پس، زیارت شما را قسمتی از برنامهٔ زندگی ام قرار می‌دهم: سعی می‌کنم به زیارت مرقد شریف‌تان بیایم و اگر نتوانستم، هر روز، در هر کجای عالم که باشم، از راه دور یا نزدیک، با خواندن زیارتی کوتاه یا لا اقل سلامی بعد از نمازها... به این عهد مسلم وفا کنم.

## ۳ عهد خدمت

ولی نعمت من، عهد می‌بندم هر جا بودم، خدمتان باشم و هر کار پسندیده‌ای را به نیت خدمت به شما انجام دهم. از شما می‌خواهم در این راه کمک کنید و مرا به عنوان خدمت‌ان بپذیرید. با این امید، به پدر و مادرم خدمت می‌کنم، به نیت خدمت به شما؛ به همسایگانم خدمت می‌کنم، به نیت خدمت به شما؛ به ناتوانان و سالخورده‌گان کمک می‌کنم، به نیت خدمت به شما و...  
امام ضامن، دعا می‌کنید که به این عهد‌ها پایبند بمانم!

۱. محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۳۱.



## سوغات زیارت

امام مهربان من، کم‌کم مهیا می‌شوم تا از حرمتان و از مشهدتان به وطنم بازگردم. قلبم پراز شادی و سرور است و روحم سبک‌بارتر از قبل. خیلی دوست دارم حالا که قصد برگشت دارم، برای کسانی که برای زیارت قبولی به دیدنم می‌آیند، هدیه‌ای ببرم. شنیده‌ام که امام صادق علیه السلام به سوغاتی بردن توصیه کرده‌اند: هرگاه یکی از شما به مسافرت برود،... برای خانواده خود به اندازه‌ای که توانایی دارد، سوغاتی بیاورد.<sup>۱</sup>

از خودم می‌پرسم: «چه هدیه‌ای ببرم که خوشحالشان کند و ماندگار باشد؟ می‌توانم سوغاتی‌هایی ببرم که آن‌ها نیز از این همه فضیلت و برکت زیارت بهره‌مند شوند؟» در حرم شما شنیده‌ام که می‌توان سوغاتی‌های معنوی هم تهیه کرد:

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۵۹.



### خواندن نماز در حرم، به نیابت از دیگران

وقتی راهی زیارت شما شدم و برای حلالیت طلبی پیش فامیل و آشنایان رفتم، بسیاری حاجت داشتند و به من التماس دعا گفتند. به نیابت از آن‌ها، در حرم مطهرتان دو رکعت نماز زیارت می‌خوانم و سعی می‌کنم در صورت امکان و بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران، در محل‌های توصیه شده، مثل بالاسر مضجع شریف شما، از طرفشان دو رکعت نماز حاجت بخوانم.



### زیارت امام علی(ع) به نیابت از دیگران

به نیابت از تمام کسانی که دلشان را در این زیارت با من همراه کردند و پای آمدن نداشتند، به نیابت از تمام کسانی که آن‌ها را می‌شناسم و دستشان از این دنیا و جمع‌آوری خیرات کوتاه است، به نیابت از تمام کسانی که حقی به گردن من دارند و...، به شما سلام می‌دهم و از طرف آن‌ها زیارت‌نامه می‌خوانم و زیارتتان می‌کنم.



## نشر علوم فراگرفته

یکی دیگر از سوغاتی‌های خوبی که قصد دارم بعد از برگشتن، همه را به آن مهمان کنم، مطالبی است که در حرم شما آموخته‌ام. با شرکت در سخنرانی‌های قبل و بعد از نمازها و نشست‌های حلقه‌ معرفت، علوم و معارفی را آموخته‌ام که قبل از این نمی‌دانستم و مطمئن هستم در زندگی و تصمیم‌گیری‌هایم بسیار مؤثرند؛ برای همین تلاش می‌کنم تمام این خوبی‌ها را به گوش دیگران نیز برسانم.



## دعا در حرم برای دیگران

من با بدرقه‌ صدها چشم و دل امیدوار، به حرم شما آمده‌ام: چشم‌هایی که از شنیدن نام «مشهد» بارانی شدند و دل‌هایی که با شنیدن نام «رضا»، بین اشتیاق و دلتنگی به تقلا افتادند!

در حرم سراسر نور شما، برای روشنایی آن چشم‌ها و قلب‌ها دعا می‌کنم. هرچه خوبی برای خودم خواستم، برای آن‌ها هم می‌خواهم و دعا می‌کنم که پابوسی شما خاندان، روزی دنیا و آخرتشان شود.



برای عمل به توصیه‌ی امام صادق (علیه السلام) و تهیه‌ی سوغاتی‌هایی  
غیر از این‌ها، سری هم به بازار خواهیم زد؛ ولی قصد دارم  
اسراف نکنم و در حد توانم خرید کنم.

حواسم هست و به رهنمود و هشدار رهبرم برای حمایت  
از تولید کالای ایرانی نیز توجه می‌کنم. شاید مجبور شوم  
برای خرید کالای ایرانی، بیشتر هزینه کنم؛ اما می‌دانم  
که حمایت از تمام مردان اهل کار این سرزمین که تلاش  
می‌کنند نانی پاک به سفره بنشانند، وظیفه‌ی من است.

۱

## انجام واجبات و ترک محرمات

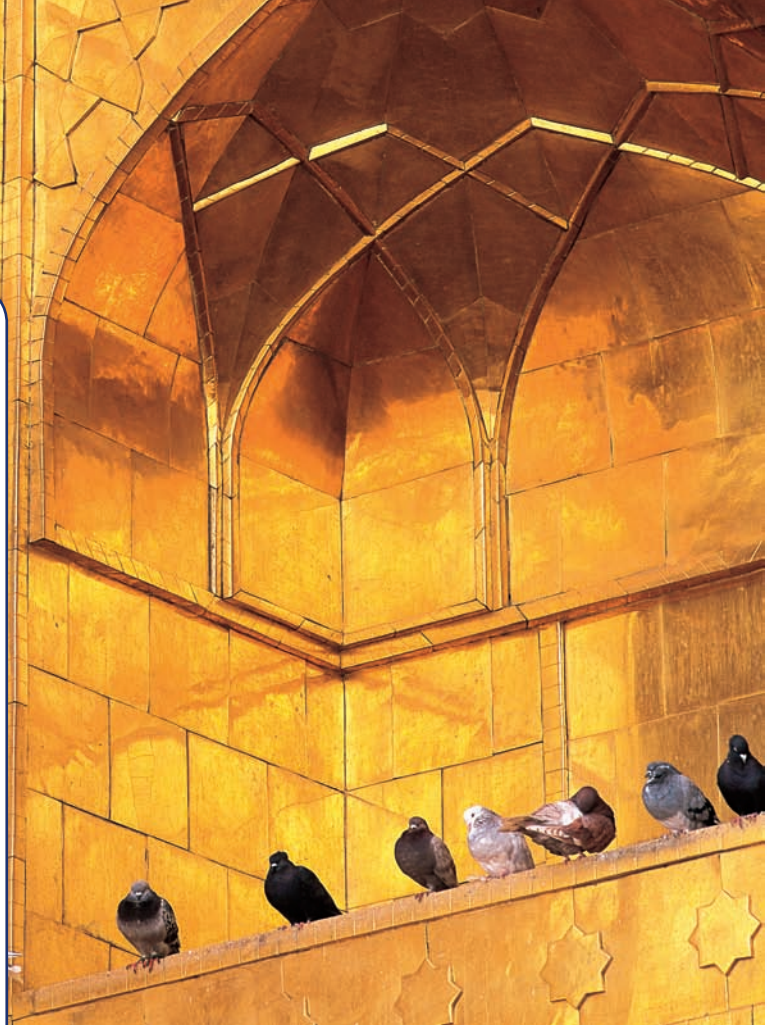
شما ناظر اعمال من هستید و از حال و احوال ایمان و بندگی ام خبر دارید.

می دانم اولین خشتی که باید درست بگذارم، ایمان است و شما ایمان را این گونه دانسته اید:

وَالْإِيمَانُ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ.<sup>۱</sup>  
ایمان انجام واجبات و ترک محرمات است.

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ص ۴۲۲.

به زیارتان آمده ام و حالا که می خواهم بروم، دوست دارم برنامه زندگی ام را از شما بگیرم. در این رواق ها می نشینم و لحظاتی می اندیشم که شما چگونه بوده اید و می خواهید من چگونه باشم. در این باره نیز در حرم شما مطالبی شنیده ام:



# تا بهشت

۲

وفای به عهد و ادای دین

امام خوب من، انجام واجب‌ها و ترک حرام‌ها، اولین پله از پله‌های بندگی است که شما خاندان در آن سرآمدید. حالا با خود می‌اندیشم که بعد از ایمان، باید در روش و منش شما دنبال چه باشیم؟ پدر بزرگوارتان، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: خداوند تبارک و تعالی دوستی و ولایت ما را برای شما واجب کرد و پیروی از ما را برایتان فریضه قرار داد؛ پس آگاه باشید هرکه از ماست، باید به ما اقتدا کند و مسلماً دوری جستن از گناهان، تلاش، ادای امانت به نیکوکار و تبهکار، نیکی به خویشاوندان، پذیرایی از مهمان و بخشش گناهکار، از خصلت‌های ماست و هرکه به ما اقتدا نکند، از ما نیست.<sup>۱</sup>

۳

زینت بودن برای اهل بیت علیهم السلام

ای هشتمین حجت الهی، از خدا می‌خواهم در خوبی‌ها به جایی برسم که موجب شادی شما شوم. راهش را نیز می‌دانم. جد بزرگوارتان، امام صادق علیه السلام، در توصیه‌ای به چند تن از شیعیان فرموده‌اند که چگونه می‌توانیم زینت اهل بیت علیهم السلام باشیم:

ای گروه شیعه، زینت ما باشید، نه مایه زشتی ما. «با مردم خوش‌زبان باشید»<sup>۲</sup> و زبانتان را نگه داشته و آن را از زیاده‌گویی و بدگویی بازدارید.<sup>۳</sup>

۲. نک: بقره، ۸۳.

۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۴۰.

۱. محمد بن محمد مفید، الإختصاص، ص ۲۴۱.



## حرف آخر

امام من، دوباره بار سفر بسته‌ام. این بار، به خانه‌ام برمی‌گردم. قصد داشتم دلم را در حرمتان جا بگذارم و بروم؛ اما حالا که با زیارت شما، از بار گناهان سبک شده است، به آن نیاز دارم! البته باز هم قصد دارم دلم پیوسته در حرمتان بماند و زائرتان باشد؛ ولی به برکت زیارت شما فهمیده‌ام هر جا که باشم، می‌توانم مقیم حرمتان باشم؛ چون حرم شما فقط همین جا نیست: حرم شما به وسعت تمام هستی است.

با دلم قرار گذاشته‌ام حضور شما را در آن بنشانم و با خودم ببرم؛ چراکه هر کجا شما باشید، همان جا حرم شماست. شاید این‌گونه دلم بیشتر زائر بماند و چه سعادت‌ی برتر از زائر شما بودن که زیارتتان، همانند زیارت جدتان، رسول خدا ﷺ است و مایه شادی دل مادران، فاطمه زهرا (علیها السلام):

أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ زَارَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَأَبْهَجَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (علیها السلام)  
وَنَالَ مِنَ اللَّهِ الْفَوْزَ الْعَظِيمَ.<sup>۱</sup>

امام رئوف من که موجب شادی دل‌هایید،<sup>۲</sup> در این لحظه‌های وداع، خواسته‌ای دارم: باز هم مرا به خانه‌تان دعوت کنید و برای من و برای همه دعا کنید که خداوند ما را پی‌درپی به مشهدتان و به زیارتتان بطلبد:

فَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكَ وَإِثْنَانِ مَشْهَدِكَ وَرَزَقَنِي الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ إِلَيْكَ.<sup>۳</sup>

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۱: «الَسَّلَامُ عَلَى فَرْحَةِ الْقُلُوبِ».

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۵.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۵۱.



أَمَّا الرَّسُولُ فَخُذْهُ عَلَىٰ مَنَاقِبِهِ إِنَّكَ عَنِ السُّبْحِ تُرَىٰ الصُّبْحِ الشَّهِيدِ صَلَاتُكَ كَمَا

تَأْتِي زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَادِفَةً مُتَوَاتِرَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ لَحْدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حجازی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، به تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، ج ۱، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، به تحقیق و تصحیح جواد قیومی اصفهانی، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، به تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، چ ۱، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۱ و ۱۴، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۷. حسکانی، عبدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، به تحقیق و تصحیح محمدباقر محمودی، ج ۱، چ ۱، تهران: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۱ ق.
۸. راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، ج ۱، چ ۱، قم: مؤسسه امام مهدی ﷺ، ۱۴۰۹ ق.
۹. شیخ صدوق (قمی)، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. شیخ صدوق (قمی)، محمد بن علی بن بابویه، أمالی الصدوق، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. شیخ صدوق (قمی)، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۱ و ۲، چ ۱، به ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. شیخ صدوق (قمی)، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، به تحقیق و تصحیح محمدباقر خراسان، ج ۲، چ ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، إلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. طبری املی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، به تحقیق و تصحیح قسم الدراسات الإسلامية، چ ۱، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، چ ۱، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح الکفعمی (جنة الأمان الواقية)، چ ۲، قم: دار الرضی، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام الرضا ﷺ، ج ۱، چ ۱، مشهد: آستان قدس (کنگره)، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. علی بن ابی طالب ﷺ، نهج البلاغة، به کوشش محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، به تحقیق و تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، چ ۱، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۲۱. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، مؤمن کیست؟ وظیفه اش چیست؟ (ترجمه کتاب المؤمن)، چ ۱، ترجمه عبدالله صالحی، به تحقیق و تصحیح عبدالله صالحی، قم: نورالسجاد، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱ و ۴ و ۸، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، چ ۱، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به تحقیق و تصحیح مؤسسة آل البيت ﷺ، ج ۲، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. منسوب به علی بن موسی الرضا ﷺ، الفقه المنسوب للإمام الرضا ﷺ، چ ۱، مشهد: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ۱۴۰۶ ق.